

فارسی هفتم درس ۱۲: خدمات متقابل اسلام و ایران

شاید اولین فرد مسلمان ایرانی، سلمان فارسی است که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) درباره او فرمودند: «سلمانُ مِنّا اهل البیت».

اسلام، آیین و قانونی است که متعلق به همه افراد بشر است و بر زبان خاصی تکیه نمی‌کند؛ بلکه هر ملّتی با خط و زبان خود می‌تواند بدون هیچ مانع از آن پیروی کند. بنابراین، اگر می‌بینید ایرانیان پس از قبول اسلام باز به زبان فارسی تکلم کردند، هیچ جای تعجب و شگفتی نیست.

یکی از موفقیت‌های اسلام این است که ملل مختلف با زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، آن را پذیرفته‌اند و هر یک به سهم خود، خدماتی کرده‌اند.

اگر زبان فارسی از میان رفته بود، ما امروز آثار گران بها و شاهکارهای اسلامی ارزنده‌ای همچون مثنوی، گلستان، دیوان حافظ، آثار نظامی و صدها اثر زیبای دیگر نداشتیم. در سراسر این آثار، مفاهیم اسلامی و قرآنی موج می‌زند و پیوند اسلام را با زبان فارسی، جاودان می‌سازد.

پس از ظهور اسلام و تشکیل حکومت اسلامی و گردآمدن ملل گوناگون در زیر پرچم اسلام، تمدنی عظیم و بسیار کم نظیر به وجود آمد که تاریخ، آن را به نام «تمدن اسلامی» می‌شناسد. در این تمدن، ملّت‌های گوناگون از آسیا و آفریقا و حتی اروپا شرکت داشتند اما سهم عمده از آن ایرانیان است.

ایران در پرتو گرایش به اسلام، همدوش با سایر ملل اسلامی و پیشاپیش همه آنها مشعل دار یک تمدن شکوهمند به نام تمدن اسلامی شد.

اسلام، دروازه سرزمین‌های دیگر را به روی ایرانی و دروازه ایران را به روی فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر باز کرد که دو نتیجه برای ایرانیان حاصل شد: یکی اینکه توانستند هوش و لیاقت و استعداد خویش را به دیگران عملاً ثابت کنند؛ به طوری که دیگران آنها را به پیشوایی و مقتدایی پذیرند؛ دیگر اینکه توانستند سهم عظیمی در تکمیل و توسعه یک تمدن عظیم جهانی به خود اختصاص دهند.

استعدادهایی نظیر بوعلی، فارابی، ابوریحان، خیّام، خواجه نصیرالدین توسی،

ملاصدرا و صدها عالم طبیعی و ریاضی و مورّخ و جغرافی‌دان و پزشک و ادیب

و فیلسوف و عارف در این بنای عظیم فرهنگ اسلامی، پرورش یافتند.

ایرانیان خدمات بسیار شایانی به اسلام کرده‌اند و آن خدمات از روی صمیمیت و اخلاص و ایمان بوده است.

سلمانُ مِنّا اهل البیت: سلمان از

خانواده من است

متعلق: وابسته

خاص: مخصوص، ویژه

تکیه کردن: کنایه از پیروی

کردن

تکلم: سخن

ملل: جمع ملّت، ملّتها

از میان رفتن: کنایه از نابود شدن

گران بها: باارزش

شاهکار: کار بزرگ، ارزشمند

ارزنده: ارزشمند

جاودان: همیشگی

ظهور: ظاهر شدن، نمایان شدن

تمدن: فرهنگ

عظیم: بزرگ

نظیر: مانند، همتا

عمده: برجسته، مهم، اصلی

پرتو: روشنائی، درخشیدن

مشعل: روشنائی به دست و

پیشاپیش بودن

پیشاپیش: جلودار

شکوهمند: با عظمت

استعداد: توانایی

پیشوا و مقتدا: حاکم، راهنما، رهبر

عالم: دانشمند

مورّخ: تاریخ دان

ادیب: سخندان، کسی که علم

ادب داند

فیلسوف: حکیم، عالم

عارف: دانا، صاحب نظر

شایان: شایسته، لایق

اخلاص: پاک

خالصانه: صادقانه، پاک اعم: شامل، همگانی تر گنجینه: محل گنج، دفینه جوشش روح: اضافه استعاری مظاهر: نشانه ها ادبا: جمع ادیب، سخندان عرفا: جمع عارف: دانایان	این خدمات، نشان دهنده احساسات پاک و خالصانه ایرانیان است؛ زیرا سر و کارش با عشق و ایمان است. شاهکارهای هنری ایران در دوره اسلامی، اعم از معماری، نقاشی، خوش نویسی و ... بیشتر در زمینه های دینی - اسلامی بوده است. گنجینه های قرآن که در موزه های مختلف کشورهای اسلامی و غیراسلامی هست، اوج هنر ایرانی را در زمینه های اسلامی و در حقیقت، جوشش روح اسلامی را در ذوق ایرانی، نشان می دهد. یکی از مظاهر خدمات فرهنگی ایرانیان به اسلام، خدماتی است که از راه زبان فارسی به اسلام کرده اند. ادبا و عرفا و سخنوران ایرانی، حقایق اسلامی را با جامه زیبای شعر و نثر فارسی به زیباترین شکل، آرایش داده اند و حقایق اسلامی و معانی لطیف قرآنی را در میان حکایاتی شیرین آورده اند. «مثنوی مولانا» بهترین شاهد برای سخن ماست. شهید مرتضی مطهری
--	---

خود ارزیابی ۱- معنای «سَلَمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ» را بیان کنید. سلمان از اهل بیت من است. ۲- چگونه زبان فارسی به گسترش تمدن اسلامی کمک کرده است؟ ایرانیان باهوش و لایق با بهره گیری از زبان فارسی و به واسطه تبادل فرهنگ با ملل مختلف در تکمیل و توسعه تمدن اسلامی تاثیر گذار بوده اند. ۳- به نظر شما چگونه می توان به تمدن اسلام و ایران بیشتر خدمت کرد؟ با تلاش و کوشش در راه کسب علم و حفاظت از فرهنگ ملی و گسترش و معرفی آن به دیگران.	دانش های زبانی و ادبی نکته به این جمله ها توجه نمایید و درباره آنها گفت و گو کنید. - مریم دانش آموز پرتلاشی است، دوستان مریم آینده خوبی را برای مریم پیش بینی می کنند. - مریم دانش آموز پرتلاشی است، دوستانش آینده خوبی را برای او پیش بینی می کنند. همان طور که می بینید در جمله نخست کلمه «مریم» سه بار تکرار شده است. اما در جمله دوم برای پرهیز از تکرار، «ش» و «او» به جای کلمه مریم به کار رفته است. کلمه هایی مانند: «من، او، شما، م، تان و...» که به جای اسم می نشینند، ضمیر نام دارند. کلمه ای که ضمیر به آن
---	---

برمی گردد، «مرجع ضمیر» نامیده می شود.

ضمیرها دو نوع هستند.

۱- ضمیر گسسته: ضمیری هستند که به طور مستقل به کار می روند.

مفرد	جمع
من	ما
تو	شما
او	ایشان

۲- ضمیر پیوسته: همان طور که از اسمشان پیداست مستقل نیستند و به واژه های دیگر می چسبند.

مفرد	جمع
مَ -	مانَ -
تَ -	تانَ -
شَ -	شانَ -

- در املا از خط تحریری شکسته استفاده نشود.

- بهتر است هنگام نوشتن املا با توجه به آهنگ، مفهوم و پیام جمله ها، نشانه های نگارشی را رعایت کنید.

نشانه های نگارشی کدامند؟

«نقطه (.) - ویرگول (،) - نقطه ویرگول (؛) - علامت سوال (?) - علامت تعجب (!) - پرانتز () - گیومه (« ») -

خط تیره (-) خط مورب (/) کروشه ([]) دو نقطه (:) و ...»

نوشتن

۱- معنی واژه‌های زیر را بنویسید.

ذوق: قریحه، استعداد / ادیب: سخندان، دانشمند / استعداد: توانایی / مظاهر: نشانه‌ها

۲- برای هریک از واژه‌های زیر دو هم خانواده بنویسید.

اخلاص: خالص، خلوص / قبول: قابل، مقبل / حافظ: محفوظ، حفاظ / تمدن: مدنیّت، مدینه

۳- ده کلمه مهمّ املائی از درس پیدا کنید و بنویسید.

اخلاص	کم نظیر	مشعل‌دار	سهم عظیمی	تمثیل
ظهور	عالم طبیعی	بنای عظیم	مثنوی مولانا	معانی لطیف

۴- در جمله‌های زیر، ضمیرهای پیوسته و گسسته را مشخص کنید.

- شهید رجایی به همراهانش گفت: من این نظم را از آقای بهشتی یاد گرفته‌ام.

گسسته: من / پیوسته: - ش در همراهانش

- او دست‌هایش را داخل جیبش فرو برد.

گسسته: او / پیوسته: - ش در دست‌هایش و جیبش

- ما همه مشتاقیم تا ترجمه‌تان را بخوانیم.

گسسته: ما / پیوسته: - تان در ترجمه‌تان

شعر خوانی

رستگاری

تو را دانش و دین رهاند دُرست در رستگاری بایدت جُست

علم و دانش و دین و مذهب تو را کاملاً از بدی‌ها آزاد و خلاص می‌کند. تو باید به دنبال نجات و رستگاری باشی.

در رستگاری: اضافه استعاری (رستگاری مانند خانه ای است که در دارد) - اضافه تشبیهی (رستگاری مانند دری است که باز می شود)

چو خواهی که یابی ز هر بدِ رها سر اندر نیاری به دام بلا

اگر می‌خواهی از بدی‌ها رها شوی و گرفتار بلا و مصیبت نشوی.

دام بلا: اضافه تشبیهی (بلا مثل دام است) / هر، سر: جناس ناقص اختلافی

بُوی در دو گیتی ز بد رستگار نکو کار گردی برِ کردگار

در دنیا و آخرت رستگار شوی و نزد خداوند سربلند باشی

بد، نکو: تضاد / در ، بر: جناس ناقص اختلافی / رستگار بودن: کنایه از سعادت‌مند بودن

به گفتار پیغمبرت راه جوی دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی

از راه و طریق و دین پیامبر پیروی کن و با این آب، دلت را از تیرگی‌ها و گمراهی‌ها پاک کن.

راه جوی: کنایه از پیروی کردن / گفتار: مجاز از راه و روش / دل: مجاز از وجود / آب شستن: کنایه از پاک شدن / تیرگی: استعاره از بدی، پلیدی

اگر چشم داری به دیگر سرای به نزد نبی و وصی گیر جای

اگر توقع و امید داری که در جهان آخرت خوشبخت شوی، با پیامبر (ص) و حضرت (ع) همراه شو و پیرو آنها باش

چشم داشتن: کنایه از امید و توقع داشتن / سرا: استعاره از جهان آخرت / نبی، وصی: تناسب

بر این، زادم وهم براین، بگذرم چنان دان که خاک پی حیدرم

من با این اعتقاد به پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) زاده شدم و با همین اعتقاد هم خواهم مرد.
بدان که من خاک پای علی (ع) هستم.

براین: تکرار / خاک پای بودن: کنایه از تواضع زیاد

حکیم ابوالقاسم فردوسی

بیشتر بدانیم:

ضمیر شخصی منفصل یا ناپیوسته

ضمیری است که تنها به کار می‌رود و معنی مستقل دارد: من، تو، او، ما، شما، ایشان یا آنها یا آنان.

ضمیر شخصی متصل یا پیوسته

ضمیری است که به کلمه دیگر می‌پیوندد و معنی مستقل ندارد: مَ، تَ، شَ، مَ، نَ، تان، شان.
این ضمیر معمولاً به اسم و گاه به فعل و حرف می‌پیوندد.

ضمیر مشترک

ضمیری که همواره یک صورت دارد و میان شش ساخت مشترک است: خود، خویش، خویشان.
جز در زبان محاوره، این ضمیر جمع بسته نمی‌شود. همان صفت‌هایی که در این چهار دسته جای دادیم، اگر دارای موصوف نباشند، ضمیر محسوب می‌شوند.

ضمیر اشاره

ضمیریست که مرجع آن به اشاره معلوم شود: آن/ این و ترکیباتش مثل اینان/ آنها - (کتاب را بگیر و آنرا بخوان) اگر صفات اشاره (ان-این-همین و ...) بدون اسم بیایند ضمیر اشاره هستند و نقش می‌پذیرند.

ضمیر پرسشی

واژه‌های پرسشی اگر به تنهایی در جمله بیایند. (بدون همراهی اسم): که / چه / کدام / کی / کجا / چگونه / چند / چقدر - (تا یار که خواهد و میلش به که باشد)

ضمیر مبهم

واژه‌هایی که بر شخص یا مقدار مبهمی دلالت می‌کنند. چند / همه / هیچ / یکی / هر که / کمی / دیگری - (چن می‌گردد به دور خویشان؟)

ضمیر تعجبی

واژه‌هایی که مفهوم تعجب و شگفتی را برساند: به / چقدر / وه ... - (وه که چگونه می‌رزمند شیرمردان مبارز!)

ضمیر شمارشی

صفت شمارشی که بدون همراهی اسم بیاید. - (حمید به کلاس چهارم می‌رود)

ضمیر ملکی

واژه مرکب «از آن» است که معنی «مال» / «متعلق به» را می‌دهد. - (من زان خودم هر آنچه هستم، هستم)